

میزگرد

# افغانستان سکوی صمیمیت و همکاری برای همه

۱۹ ثور / اردیبهشت ۱۳۹۸



 [www.aiss.af](http://www.aiss.af)

 @AISS\_Afg

 @AISSAfghanistan

AISS-R-016-2019

## میزگرد

### «افغانستان سکوی صمیمیت و همکاری برای همه»

#### انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان

۱۹ ثور/اردیبهشت ۱۳۹۸

انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان در تاریخ روز پنج‌شنبه، ۱۹ ثور ۱۳۹۸ برابر با ۹ می سال ۲۰۱۹ میزگردی را تحت عنوان «افغانستان سکوی صمیمیت و همکاری برای همه» برگزار کرد. در این مراسم، آقای محمود صیقل، سفیر پیشین افغانستان در سازمان ملل متحد، آقای جاوید لودین، معاون پیشین وزارت خارجه افغانستان صحبت نمودند. آقای عبدالله آزاده خنجانی، مدیر مسوول تلویزیون یک، گرداننده‌گی این برنامه را به عهده داشت. جمعی از کارشناسان مسایل سیاسی، فعالان جامعه مدنی، اساتید دانشگاه‌ها، پژوهش‌گران، خبرنگاران از دیگر شرکت‌کننده‌گان این برنامه بودند.

#### آقای محمود صیقل، سفیر پیشین افغانستان در سازمان ملل متحد

آقای صیقل گفت، در حالیکه اجماع جهانی در مورد صلح افغانستان آهسته، آهسته شکل می‌گیرد و تلاش‌ها برای اجماع منطقه‌ای و ملی ادامه دارد، سوال اینجاست که جایگاه آینده افغانستان در بازی‌های منطقه‌ای و نظم جهانی چه خواهد بود و چگونه بقای صلح و رفاه احتمالی را تضمین خواهد نمود؟

به گفته آقای صیقل، افغانستان بین سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۵ به یک سکوی صمیمیت و همکاری بین کشور‌های منطقه و فرامنطقه تبدیل شده بود و طی این سال‌ها تعداد زیادی از کشور‌های منطقه و قاره‌های مختلف با هم یکجا شده و صرف نظر از تفاوت‌ها و اختلافات سیاسی، برای هدف مشترک و رهایی افغانستان از چنگال تروریسم و تامین صلح، امنیت و رفاه همکاری نمودند. جای شک نیست که همدردی با قربانیان تروریسم در افغانستان و حادثه دردناک یازدهم سپتمبر در ایالات متحده امریکا در به وجود آوردن همچو یک فضا نقش کلیدی داشت. فضائیکه روزگار قبل از بحرانات چهل ساله را زنده ساخت؛ وقتیکه افغانستان به

اساس سياست باز و بی طرفی، توانسته بود روی همرفته روابط و همکاری نسبتاً خوبی را با اکثر کشورها برقرار نماید و منطقه و جهان نیز از آن مستفید گردند.



آقای صیقل افزود، اعلامیه کابل پیرامون روابط خوب همسایگی در دسامبر ۲۰۰۲ و ایجاد پروسه های ریکا در ۲۰۰۵ و قلب آسیا در ۲۰۱۰ به رهبری افغانستان این روحیه را تقویت نمود. تعدادی از پروژه های بزرگ توسعه ای منطقه ای در بخش های مختلف به ثمر رسید و تنوع راه های تجارتي و ترانزیتی شکل گرفت.

آقای صیقل علاوه کرد، با وجود این پیشرفت ها، در سال ۲۰۰۶ آثار مختل شدن این فضا نسبت بی اعتمادی ها و رقابت های منطقه ای و جهانی هویدا گردید و روز به روز امنیت و ثبات سیاسی افغانستان را به چالش کشید که تا امروز ادامه دارد.

به باور آقای صیقل، طی سال های اخیر، پاکستان تحت فشار های نسبی بین المللی، پالیسی استفاده از خشونت اش را به رقابت های منطقه ای و جهانی تبدیل نمود و از طریق آن همکاری تعدادی از کشور ها را در حمایت از طالبان جلب نمود. از طرفی تنش ها بین پاکستان و هند، ایران و امریکا، ایران و عربستان سعودی، تعدادی از کشور های عرب/ اسلامی و قطر، فدراسیون روسیه و امریکا و سایر کشیدگی ها در منطقه، هر کدام در ازدیاد خشونت ها در کشور ما سهم خود را داشته اند. ولی به شکلی تلاش صورت گرفته تا بحران افغانستان کاملاً بین الافغانی جلوه داده شود. از دید آقای صیقل، این در حالیست که دامنه تروریزم وسعت یافته و به یک تهدید خیلی جدی به صلح و امنیت جهان تبدیل شده است. در قبال این چالش ها، سال گذشته افغانستان طرح تبدیل شدنش را به سکوی دائمی صمیمیت و همکاری بین کشور های منطقه و فرامنطقه به مجمع

عمومی سازمان ملل متحد پیشکش نمود. بعد از یک سلسله ملاحظات و تعدیلات، در دسامبر سال قبل، روح این طرح طی یک پاراگراف نو در قطعنامه A/73/L.44 پیرامون افغانستان انعکاس یافت. متعاقباً این طرح با شورای امنیت سازمان ملل متحد در میان گذاشته شد و پیشنهاد گردید تا شورای مذکور یک قطعنامه موجز و عملیاتی را در این مورد در دستور کار خویش قرار داده و همزمان با پیشرفت احتمالی در روند صلح افغانستان بالای آن کار نماید. به گفته آقای صیقل، دلایل اساسی برای معقولیت این طرح زیاد است و از دید سیاسی، افغانستان در نقطه تقارب مناطق آسیای مرکزی، آسیای جنوبی، شرق آسیا/ دور و شرق میانه قرار دارد. از دید امنیتی، افغانستان در بین ساختارهای امنیتی آسیای مرکزی، آسیای جنوبی و خلیج فارس قرار دارد ولی در هیچکدام آن شمولیت فعال ندارد و هیچکدام آن به تنهایی نمی تواند امنیت افغانستان را تحت پوشش قرار دهد. از دید اقتصادی، افغانستان در نقطه تقارب سازمان های اقتصادی منطقه ای اکو، سارک، کرک و شانگهای قرار دارد که در سه اول عضو و در چهارمی هنوز ناظر است.

آقای صیقل گفت، طی چهل سال گذشته، تقریباً همه کشورهای مطرح منطقه و فرامنطقه در حیات افغانستان بخت خود را آزموده اند. نگرش به سوی افغانستان به صفت «کشور حایل»، «میدان رقابت»، «شریک نامطمئن» و یا هم «منبع تهدید» عوارض مستقیم و جانبی به همه بار آورده است. همه به شکلی بهای خشونت در افغانستان را پرداخته اند و همه از صلح نسبی افغانستان نیز مستفید شده اند. همه درست میدانند که صلح افغانستان یگانه برنده نخواهد داشت و جنگ آن هم یگانه بازنده نخواهد داشت، بلکه همه در آن گره خورده اند و راهی جز صمیمیت و همکاری وجود ندارد. از دید حقوق بشر که تعدادی از بازیکنان مطرح در افغانستان خود را پرچمدار آن قلمداد میکنند، طی چهل سال گذشته مردم افغانستان بزرگترین قربانی را پرداخته اند و هنوز هم روزانه می پردازند. آقای صیقل علاوه نمود، همه میدانند که تروریسم به آسانی از رقابت های منفی کشورهای منطقه و فرامنطقه استفاده نموده و دامنه وحشت خود را گسترش داده است.

همکاری جهان متمدن لاقدر در یک کشور (افغانستان) باید آکسیجن را از وحشت تروریسم گرفته و نفس کشیدن را برایش تنگ نماید. افغانستان به صفت یک سکوی صمیمیت، مهربانی و همکاری بین کشورهای منطقه و قدرت های جهانی، دور از رقابت های ذات البینی شان، تضمینی خواهد بود برای پایداری صلح احتمالی و حفظ و تحکیم روابط متعادل فرا خروج نیروهای خارجی که صفحه نوینی را در حیات کشور ما ورق خواهد زد.



## جاوید لودین، معاون پیشین وزارت خارجه

آقای لودین، گفتمان علمی پیرامون موضوعات مختلف را کار نیکو عنوان کرد و از انسیتوت برای زمینه‌سازی آن قدردانی کرد. به باور آقای لودین، بحث بالای موضوع «افغانستان سکوی صمیمیت و همکاری برای همه» را به موقع و مهم خواند و ادامه داد، با تغییر رهبری دولت‌ها، استراتژی و دیدگاه آنها در موارد مختلف تغییر می‌کند و دولت افغانستان نیز از این قاعده مستثنی نیست. حکومت وحدت ملی در آغاز تلاش کرد تا یک اجماع منطقی را در رابطه به افغانستان بوجود آورد ولی کوشش‌ها در این راستا بسنده نبود و نیازمند شتاب بیشتر داشت چون ما امروز شاهد یکپارچگی نه، بلکه شاهد شکست اجماع منطقه‌ای هستیم. آقای لودین به سلسله نشست‌های جهانی راجع به افغانستان یادآوری کرده و گفت، کنفرانس توکیو بعد از نشست بن، دومین کنفرانس بین‌المللی در رابطه به افغانستان بود که در جنوری سال ۲۰۰۲ در کشور جاپان برگزار گردید.



به گفته آقای لودین، در آن زمان دکتر محمد اشرف غنی، مشاور ریاست جمهوری بود و متن سخنرانی رییس جمهور را نوشته بود و در آن متن اصطلاح «چهار راه آسیا» استفاده شده بود و این فکر برای اولین بار در کنفرانس توکیو مطرح گردید و رییس جمهور کرزی در باره موقعیت جغرافیایی افغانستان و اهمیت آن صحبت کرد و خاطر نشان کرد که افغانستان قابلیت تبدیل شدن به نقطه وصل بین کشورها را دارد و می‌تواند یک همکار خوب برای منطقه و جهان باشد. آقای لودین اضافه کرد، رییس جمهور کرزی در اولین سخنرانی خود در کانگریس آمریکا از «همکاری تمدن‌ها» یاد کرد، هدف از این بیانات، رایج ساختن فرهنگ دیپلماسی

افغانستان بود و این موضوع قبل از «گفت‌وگوی تمدن‌ها» بود که رییس جمهور وقت ایران آقای خاتمی به زبان آورد. به گفته آقای لودین، رییس جمهور کرزی فکر می‌کرد، کشورهای جهان با پیشینه‌های کاملاً متفاوت در بازسازی و مبارزه با تروریسم در افغانستان همدیگر را همراهی می‌کنند و این مثال خوبی برای همکاری و هم‌یاری تمدن‌ها می‌باشد. آقای لودین گفت، وقتی مسائلی بزرگی همچون موضوع کنونی از طرف کشور ناتوان مثل افغانستان با دستگاه دیپلوماسی ضعیف مطرح می‌شود، باید تلاش‌های فراوان و جدی صورت بگیرد، تا طرح‌های پیشکش شده به یک گفتمان تبدیل گردد. به گفته‌ای آقای لودین، وضعیت فعلی همکاری بین کشورهای جهان بویژه همکاری‌های منطقه‌ای بخاطر پروسه صلح در افغانستان امیدوار کننده است ولی روی یک موضوع مشخص می‌باشد، اما وقتی طرح‌های مختلف و بزرگتر مطرح می‌گردد، خصوصاً کشورهای مثل افغانستان که ابتکار عمل را بدست دارد باید تلاش کند که یک نتیجه ملموس برسد. به گفته آقای لودین، افغانستان در اوایل تلاش‌های که در این عرصه انجام داد که می‌توان از پروسه رکا و استانبول نام برد. اگر تلاش‌های مرحله آغازین بالای پروسه‌های نامبرده ادامه می‌یافت، به احتمال فراوان افغانستان به نتایج مطلوب دست می‌یافت، ولی هنوز زمان داریم تا مسائل را دنبال کنیم، اما فرصت‌های زیاد را از دست دادیم. وی افزود، همکاری‌های جهانی برای افغانستان، ناشی از روابط عاطفی نه، بلکه برای این بود که ما در پرآشوب‌ترین جغرافیای دنیا موقعیت داریم، کشورهای منطقه و همسایگان دور و نزدیک افغانستان باهمدیگر یک مشکل دارد، وقتی در چنین منطقه‌های پر تنش و بغرنج یک فکر تازه را که باعث فروکش کردن آشوب‌های موجود مطرح نماید، کار سهل نیست.

آقای لودین گفت، ابداع تفکر جدید وقتی اهمیت دارد که روی جنبه‌های عملی و محقق شدن آن غور گردیده باشد در غیر آن صورت فقط در حدی یک نظریه باقی خواهد ماند و نتیجه ملموسی به دنبال نخواهد داشت، به باور آقای لودین، در هژده سال پسین ابتکارات زیادی چه در سطح منطقه و چه در داخل مطرح گردیده ولی علل شکست و یا اخلال در آن بیش‌تر سیاسی و امنیتی بوده است. به باور آقای لودین، منافع کشورهای منطقه به گونه‌ای شکل گرفته که منافع یک کشور در تقابل با منافع کشور دومی پنداشته می‌شود و به اساس منافع روابط میان کشورها شکل می‌گیرد و بعد از مدتی به شهروندان کشورها نیز رسوخ می‌کنند و روابط دیگر ایجاد می‌شود، بطور مثال، چرا مشکلات روابط بین کشورهای هند و پاکستان و یا پاکستان و افغانستان عمیق است؟ در صورتیکه میزان صادرات سالانه پاکستان به افغانستان به میلیاردها دالر می‌رسد، سوال اینجاست، چرا پاکستان در برقراری صلح در افغانستان نمی‌کوشد؟، چون صلح در افغانستان بیش‌تر به منفعت پاکستان است، به گفته آقای لودین، حتی برای دوستان خارجی درک اینکه که پاکستان منبع ناامنی افغانستان است، دشوار بود، بخاطریکه آنها سود پاکستان را در امنیت در افغانستان بیش‌تر متصور بودند، اما آنها درک

نمی‌کردند که غیر از منافع ملی پاکستان، منافع دیگری بنام نهاد (ارتش پاکستان) مطرح است و تاسیس آن نهاد به گونه‌ای بوده که تقویت آن را در تنش با هند و افغانستان می‌بیند و در غیر آن صورت از اهمیت آن در داخل پاکستان کاسته می‌شود و قسمت زیادی اقتصاد آن کشور را فعلا مدیریت می‌کند، از دست خواهد داد، به همان علت است که تغییر و جایگزین کردن تفکر جاافتاده به یک طرح جدید مشکل می‌باشد بخاطریکه لایه‌های مختلفی از منافع وجود دارد و تمام آنها به چالش کشیده می‌شود.

آقای لودین گفت، در وضعیت فعلی امکان همکاری‌های واقعی منطقه‌ای وجود دارد و این در صورت امکان‌پذیر است که افغانستان قادر به متقاعد ساختن کشورها باشد و گفته شود که منافع دراز مدت امنیتی آنها وابسته به افغانستان است چون در شرایط فعلی اهمیت مسائل اقتصادی در رتبه دوم قرار دارد.



به گفته آقای لودین، علت ناکامی و عدم پیشرفت پروژه رکا، اقتصاد محور بودن آن بود چون در شرایط فعلی مسائل امنیت در اولویت کشورها قرار دارند و همکاری‌های اقتصادی در چنین یک منطقه پرآشوب و پراکنده امکان‌پذیر نیست. به باور آقای لودین، یگانه راه بیرون رفت و فایق آمدن بر چالش‌های موجود، دست یافتن به اجماع منطقه‌ای می‌باشد که متأسفانه سیاست حکومت فعلی در بخش منطقه‌های ضعیف بوده و قادر به چنین اجماع واحد منطقوی نشده است و حتی در دستگاه حکومت فعلی چیزی بنام «سیاست منطقوی» وجود ندارد. به باور آقای لودین، علاوه بر روابط دوجانبه بین کشورها باید روابط چند سویه با کشورها ایجاد گردد.



در این مراسم، دیگر اشتراکنندگان نیز دیدگاه‌های شان را شریک ساختند.



\*پایان\*